شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
SHAHRARANEWS.IR
۱۲
حوادث شهر
شنبه
۲۱ مهر ۱۳۹۸
۱۴ صفر ۱۴۴۱
شماره ۲۹۴۶

صدای مشاور

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ سؤالات خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک:
۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن:
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیام رسان:
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
شهروندان گرامی با هدف پیگیری دقیق و سریع مسائل مطرح شده، لطفا آدرس و اطلاعات کاملی در اختیار ما قرار دهید.

راه و بیراه

## بازگشت دیرهنگام

متین نیشابوری

نمی‌خواستم بچه‌هایم زیر دست نامادری بزرگ بشوند. برای همین یک عمر سوختم و ساختم و اجازه ندادم دیگران سر از راز زندگی‌ام در بیاورند. تمام دنیا و آینده‌ام را در بزرگ کردن دوبچه‌ام می‌دیدم. یک عمر در کنار مردی زندگی کردم که برج زهرمار بود و حسرت یک جمله عاشقانه و نگاه محبت‌آمیز را بر دلم گذاشت.

اعصابش به هم ریخته بود و سر کوچک‌ترین بهانه‌ای جلوی بچه‌هایم مرا به باد ناسزا و توهین می‌گرفت و اگر می‌خواستم یک کلمه حرف بزنم ...

چند سالی از ازدواجم گذشت. شوهر بی‌مسئولیتم یک‌در میان سرکار می‌رفت. مجبور شدم در یک کارگاه تولیدی مشغول کار شوم. هر روز سر و کله صاحبخانه پیدا می‌شد و سر و صدا راه می‌انداخت که چرا اجاره خانه‌تان عقب افتاده است.

در این وضعیت پدرم و پدر همسرم برایمان یک خانه نقلی در حاشیه شهر خریدند تا از شر مشکلات و بداخلاقی‌های صاحبخانه راحت شویم.

بعد از آنکه خانه‌دار شدیم نشستم و خیلی دوستانه با شوهرم حرف زدم. گفتم بیا با همت و کار و تلاش برای ساختن آینده‌مان تلاش کنیم. اما او سرش را تکان داد و گفت: «پدرانمان وظیفه‌شان را انجام داده‌اند و باید بیشتر از این به ما کمک می‌کردند و ...»

حرف زدن با او فایده‌ای نداشت، بلند پرواز بود و تنبل و زیاده‌خواه. راه می‌رفت و خودش را با دیگران مقایسه می‌کرد.

با تمام بداخلاقی‌هایش ساختم. در تمام این سال‌ها حتی به خانواده‌ام نگفته بودم این مرد بی‌مسئولیت چقدر به من توهین کرده و عذابم داده است. نگفتم چه شب‌ها که تا دیر وقت سفره شام را نگه می‌داشتم تا از خوشگذرانی با دوستان بی‌سروپایش برگردد و خیلی از شب‌ها اصلا نمی‌آمد.

بعضی وقت‌ها خسته می‌شدم و درباره کارهایش از او توضیح می‌خواستم. برای آنکه نتوانم چیزی بگویم برخورد غضبناکی می‌کرد و این اخلاق و رفتارش را تا جایی ادامه داد که پسرم از ما فاصله گرفت. او جوانی بود که در برابر پدرش می‌ایستاد و به من بی‌احترامی می‌کرد.

روزی که فهمیدم پسرم معتاد شده است دنیا روی سرم خراب شد. هر چه تلاش کردم از این منجلاب نجاتش بدهم فایده‌ای نداشت. این روزگار تلخ نتیجه ازدواج غلطی بود که با زور و اجبار پدرم ناچار شده بودم تن به آن بدهم.

من با تمام بدبختی‌ها کنار می‌آمدم اما اخلاق و رفتار شوهرم مرا ذره‌ذره آب می‌کرد. چند وقت قبل هم فهمیدم به طور مخفیانه با خانمی ازدواج موقت کرده است. با خودم گفتم اگر حرفی بزنم و کسی از این ماجرا بویی ببرد شخصیت خودم و بچه‌هایم بیشتر از این خرد می‌شود. خودخوری کردم و دم نزدم اما روزی که فهمیدم هوویم آمده و از همسایه‌ها در مورد من تحقیقات کرده است دیگر نتوانستم خودم را کنترل کنم.

ردش را زدم و وقتی او دوباره آمده بود راهش را سد کردم و با هم جروبحث کردیم. دعوای ما بالا گرفت و او در حضور همسایه‌ها گفت بدبخت بیچاره، شوهرت از تو راضی نیست چون از روز اول دوستت نداشته است.

با سرافکندگی به خانه برگشتم. غروب شوهرم با عصبانیت به خانه برگشت و با من درگیر شد که چرا با هوویم درگیر شده‌ام و حالا به خاطر آنکه دهانش را ببندد باید عقدشان را رسمی کنند.

دیگر تاب و تحمل این شرایط را نداشتم دست دخترم را گرفتم و به خانه پدرم رفتم. یک هفته از او بی‌خبر بودم تا این که آمد و برای اولین بار در طول زندگی مشترکمان به زبان آورد اشتباه کرده است. می‌گفت خودش هم در شر این زن مانده و می‌خواهد به این رابطه پایان بدهد. حتی چندبار هم حق سکوت و پولی به او داده و دست آخر با ضرب و شتم برادران او روبه‌رو شده است.

خوشبختانه این ماجرا بعد از کلی کشمکش ختم به خیر شد، شوهرم نیز به خودش آمده و می‌خواهد زندگی‌اش را اصلاح کند. امیدوارم مشکلی پیش نیاید.

کوتاه‌تر از حادثه

### انتقال پیکر کشته‌شدگان در سانحه عراق

**ایسنا** – طبق اعلام سازمان حج و زیارت هرمزگان، اجساد ۳کشته شده در سانحه رانندگی عراق که اهل بندرعباس بودند به این شهرستان منتقل شدند. این حادثه شامگاه جمعه رخ داد و یک دستگاه خودروی ون در مسیر بصره- نجف در شهر سماوه دچار حادثه شد. علاوه بر کشته‌شدگان ۶نفر دیگر مصدوم شدند

### کشته شدن ۵دانشجوی ایرانی در عراق

**دانشجو** – فارغ، مسئول سابق بسیج دانشجویی دانشگاه خواجه‌نصیر، از کشته شدن ۵دانشجوی این دانشگاه در سانحه تصادف در مسیر کربلا خبر داد. این کاروان شامل ۵اتوبوس بود که مسافران یکی از اتوبوس‌ها بچه‌های ادوار بسیج و دانشجویان دانشگاه خواجه‌نصیر بودند و به‌طور خودجوش عازم کربلا شده بودند. اتوبوس حامل دانشجویان ۲۰کیلومتر بعد از مرز مهران، در خاک عراق با یک اتوبوس دیگر برخورد کرده و بر اثر این سانحه ۵دانشجو کشته و یک نفر زخمی شده است.

### انفجار مرگ‌بار مین در بستان

**خبرگزاری پلیس** – حسین‌زاده، رئیس قرارگاه ستاد اربعین در مرز چذابه اعلام کرد که یک نفر بر اثر انفجار مین در جاده جنگل امقر شهرستان بستان کشته و ۲نفر زخمی شده‌اند. حادثه‌دیدگان بومی منطقه بوده و در جاده جنگل امقر شهرستان بستان به دلیل وزش باد و جابه‌جایی رمل‌ها، بر روی مین خنثی نشده از دوران ۸ سال جنگ تحمیلی رفته‌اند. این حادثه در مسیر زائران اربعین نبوده است.

### کلاهبرداری به بهانه وام خانگی

**میزان** – مسئولان پلیس آگاهی استان البرز از دستگیری کلاهبردار حرفه‌ای که با بهانه صندوق‌های خانگی و قرعه‌کشی، ۲۵ میلیارد ریال کلاهبرداری کرده بود خبر دادند. متهم که زنی جوان است پس از کلاهبرداری متواری شده بود.

### شناسایی هویت جان‌باختگان سانحه گلستان

**صدا و سیما** – هویت ۱۲تن دیگر از جان‌باختگان حادثه برخورد تریلی با مینی‌بوس در جاده مراوه‌تپه به گنبدکاووس، با انجام آزمایش DNA مشخص شد. صبح شنبه ۳۰شهریور امسال یک دستگاه تریلی حامل سیمان با یک دستگاه مینی‌بوس در مسیر مخالف برخورد کرد و هر دو خودرو آتش گرفتند.

تداوم انسانیت

دیبا| سینه‌اش بالا و پایین می‌رفت و زیر انبوهی از سیم و دستگاه به آرامی نفس می‌کشید. پزشکان نظر قطعی خود را اعلام نکرده بودند، اما پیچ‌پیچ‌هایی مبنی بر مرگ مغزی به گوش می‌رسید. اطرافیانش بعد از گذشت روزهای متوالی، دیگر به سراغ پزشکان هم نمی‌رفتند و همه چیز آماده وقوع یک توفان بود. توفانی که ساعت ۹صبح یک روز پاییزی به حرکت درآمد و پزشکی میان‌سال یکی از فرزندان بیمار را کنار کشید و واقعیتی تلخ را به او گفت که تحمل آن برای شانه‌های ستبر مردانه‌اش سخت بود.

مرد جوان که به دیوار بیمارستان تکیه داده بود دو دست بر سر گذاشت و روی زمین نشست. صدای گریه‌اش دیگر اعضای خانواده را هم که در انتظار بلند شدن دوباره مادر بودند جمع کرد، آن‌ها هم فهمیدند که مادر برای همیشه از زندگی رخت بربسته است.

با اعلام مرگ مغزی نادیا حبیبی پنجاه‌وسه ساله در بیمارستان رضوی مشهد، در نهایت خانواده‌اش به انجام پیوند عضو رضایت دادند و پیکر او به واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی در مرکز پیوند اعضای دانشگاه مشهد منتقل شد.

در یک عمل جراحی، کبد مرحوم نادیا حبیبی در بیمارستان بوعلی‌سینای شیراز به مردی پنجاه‌ودو ساله ساکن رشت پیوند شد. قرنیه‌های او نیز برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد ارسال شد و بخشی از پوست این بیمار برای پیوند روزانه به بیماران نیازمند در بخش سوختگی بیمارستان امام رضای مشهد اهدا شد.

# پا در کفش یک زندانی

**ماجرای افرادی که با بلند پروازی‌ها و ناملایمت‌های اقتصادی به جرم غیر عمد زندانی اند**

سهیل دیبا

مدت‌ها شاگردی کرده بود. از این کارگاه به آن کارگاه، در کارگاه‌های زیادی زیر دست چندین استادکار آموزش دیده بود، به نحوی که با نگاه کردن به ظاهر کفش از راه دور جنس آن را تشخیص می‌داد. آنچه درباره کیفیت آن می‌گفت نیز درست بود. سیدجواد چنان در کارش خبره شده بود که خودش تبدیل به یک استادکار شده بود. اما کمبود سرمایه او را از رسیدن به آنچه در ذهنش بود، بازمی‌داشت. او مدت‌های مدیدی پس انداز کرد تا توانست سرمایه اندکی جمع کند و پس از مشورت با قدیمی‌های بازار یک کارگاه کوچک در یکی از راسته بازارهای مشهد راه انداخت و اقدام به تولید کفش کرد.

هدف اولیه‌اش تولید کفش‌های باکیفیت به منظور شناخته شدن در بازار بود، خیلی زود به این هدفش رسید و مشتری‌های خوبی هم پیدا کرد. همه چیز گویای یک موفقیت چشمگیر در آینده‌ای نه چندان دور بود. او در ادامه چند کارگر را هم به کار گرفت تا بتواند جواب مشتری هایش را بدهد.

**از بلند پروازی تا ناملایمات اقتصادی**

همه چیز برای سیدجواد طبق همان چشم‌اندازی که ترسیم کرده بود پیش می‌رفت، اما وقتی خودش را با سایر همکارانش که با او شروع کرده بودند مقایسه می‌کرد و برو بیای آن‌ها را می‌دید، به فکر فرو می‌رفت که چطور آن‌ها توانسته‌اند به این نقطه برسند اما او درجا می‌زند.

بلندپروازی زمانی به سراغ سیدجواد آمد که او به قصد رونق کار و بی توجه به وضعیت بازار و دیگر شاخصه‌های اقتصادی، قصد کرد راه صدساله را یک شبه طی کند و با گسترش کارش خیلی زود از جایش بلند شود و جزو تولیدکنندگان بزرگ قرار بگیرد.

این تولیدکننده خرده پا بدون پشتوانه‌های مالی پایدار و مشورت با اهل فن، مواد اولیه لازم برای تولید کفش را به مقدار زیادی خریداری و دپو کرد. اما چون سرمایه کافی نداشت به امید تولید و فروش بیشتر، به جای پول نقد به صورت بی حساب و کتاب چک صادر کرد.

او کارگاه کوچکش را توسعه داد و با به کارگرفتن کارگران بیشتر، قصد داشت به سرمایه‌های کلان دست یابد. نوسانات ارزی و به تبع آن مشکلات اقتصادی که گریبان بسیاری از تولیدکنندگان را گرفته بود، سیدجواد و آرزوهایش را هم بی‌نصیب نگذاشت. چیزی نگذشت که او ماند و انبوهی از کالاهایی که مشتری نداشتند. از طرفی کم کم موعد چک‌ها فرا رسید و فروشندگان خواستار وصول چک‌ها بودند.ادامه نوسانات اقتصادی و رکود در بازار هم‌زمان شد با شکایت فروشندگان مواد اولیه، در این گیرودار و برگشت خوردن چک‌ها، سیدجواد ماند و آرزوهایی که او را به ناکجاآباد می‌رساند.با شکایت شاکیان، پرونده‌ای در دادسرای مشهد تشکیل و این تولیدکننده کفش به دلیل بدهی مالی محکوم به حبس شد.

**زندانیانی که نیازمند کمک هستند**

جواد غفاریان قدیرزاده طوسی، مدیر عامل ستاد دیه شعبه خراسان‌رضوی با اشاره به این پرونده و پرونده‌های مشابه آن بیان کرد: پرونده سیدجواد مشتی از خروار افرادی است که بلندپروازانه اما بدون فکر صحیح و شکیبایی پا به عرصه فعالیت‌های اقتصادی گذاشته‌اند.او با اشاره به اینکه این افراد هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند و جزو زندانیان جرائم غیرعمد محسوب می‌شوند، ادامه داد: نیکوکارانی که تمایل دارند در آزادی بدهکاران مالی غیربزهکار مشارکت کنند، می توانند با شماره ۰۹۱۳۸۹۴۶۰۰۳ داخلی ۱۴ تماس بگیرند یا با مراجعه به سایت ستاد دیه خراسان رضوی از طریق درگاه پرداخت الکترونیکی به اهدای کمک‌های نقدی خود اقدام کنند.

روی خط حادثه

## عمر کوتاه یک تصادف

دیبا| نه قدرت تصمیم‌گیری دارد و نه توان نشان دادن خواست و اراده‌اش را، قدش با اندکی ارفاق بلندتر از صندلی پراید بود. کلا کودک که باشی باید به خواست و نظر بزرگ‌ترها تن بدهی، حتی اگر برایت صندلی کودک خودرو تهیه نکنند، یا برخلاف قانون ممنوعیت حضور کودکان در صندلی جلوی خودرو، مجبور باشی روی پای سرنشین صندلی جلوی خودرو جا بگیری. در این شرایط با بروز حادثه‌ای کوچک، احتمال وقوع خطرات جانی برای کودکان بیشتر از سایر سرنشینان است، چرا که نه توان دفاع از خود را دارند و نه در جایگاهی نشسته‌اند که حداقل امکانات ایمنی همچون کمربند ایمنی جانشان را حفظ کند.

جدیدترین حادثه برای کودکان در رانندگی روز گذشته در یکی از جاده‌های استان، دوکیلومتری شهر بزنگان در جاده سرخس رخ داد.

در پی این حادثه یک دستگاه خودروی پراید به دلایل نامعلومی دچار حادثه و واژگون شد. با اعلام خودروهای عبوری از وقوع این سانحه عوامل انتظامی و امدادی در محل حاضر شدند.

طبق گفته مسئولان اورژانس مشهد که در صحنه حادثه حضور یافتند مشخص شد کودکی چهار ساله در این حادثه جانش را از دست داده است. ۲سرنشین دیگر بزرگ‌سال خودرو که به علت شدت جراحت‌ها نیاز مبرمی به خدمات بیمارستانی داشتند، با استفاده از بالگرد اورژانس به بیمارستان طالقانی مشهد منتقل و بستری شدند. وضعیت یکی از این مصدومان وخیم گزارش شده است.

## مال‌خری که شاه کلید سرقت از ویلاها بود

ابوعطا| برخلاف رویه همیشگی که مأموران با دستگیری سارق به سراغ مال‌خران می‌رفتند، این‌بار با رصد یک فروشنده کالاهای دست‌دوم، به حرکات این فرد که کالاهای زیادی را خرید و فروش می‌کرد، مظنون شدند.بررسی‌های میدانی بر مال‌خری این فرد گواهی می‌داد، مأموران با دریافت دستور قضایی بازرسی از این مکان را آغاز کردند. در این عملیات مأموران از مالک انبار کالاهای مستعمل درخواست گواهی و فاکتورهای خرید کردند، اما او نتوانست هیچ مدرک معتبری برای مجریان قانون رو کند.

در همین گیرودار یک تلویزیون ال‌ای‌دی جدید ۵۵اینچی که مشخص بود تازه از بازار خریداری شده است، نظر مأموران را به خود جلب کرد. مشخصات و سریال تلویزیون با فهرست اموال تازه به سرقت رفته در کلانتری طرقبه شاندیز مطابقت داده شد. بررسی‌ها نشان داد که ظن پلیس درست بوده و این تلویزیون چند روز قبل از یک باغ ویلا ربوده شده است.همین سرنخ مهم برای دستگیری مال‌خر و دادن اطلاعاتی از سارق کافی بود تا عملیات وارد مرحله بعدی بشود. اطلاعات و شواهد موجود، پلیس را به سمت یکی از سارقان سابقه‌دار منطقه کشاند. همه چیز گواهی می‌داد این سرقت‌ها از سوی این فرد انجام شده تا جایی که یک رشته عملیات منسجم دقیق پلیسی این فرضیه را تأیید کرد. با رسیدن مأموران به این اطلاعات بلافاصله عملیات شناسایی متهم آغاز و این فرد هنگام دستبرد زدن به یک باغ ویلا دستگیر شد. او تاکنون به ۲۰فقره سرقت از ویلاهای بدون نگهبان و تجهیزات ایمنی در این منطقه اعتراف کرده است.

## بررسی علت سقوط جرثقیل‌های زرد قناری

گروه حوادث| با گردن‌های افراشته و رنگ زرد قناری‌شان معمولا از بیشتر بلندی‌های شهر و ساختمان‌ها بلندتر هستند. هرگاه به این آسمان‌خراش‌های استخوانی نگاه می‌کنی، انگار در حال چرخاندن گردنشان هستند برای دیدن تمام نقاط شهر، البته وجود جرثقیل‌های صنعتی (تاورکرین‌ها) در ساخت و ساز شهرهای بزرگ یک ضرورت است و بدون استفاده از این دستگاه‌های غول‌پیکر چرخ‌صنعت ساختمان‌سازی به‌راحتی نمی‌چرخد. یکی از مشکلات عمده در استفاده از این جرثقیل‌ها، بروز حوادث سقوط این تجهیزات است، موضوعی که بارها در مشهد مشاهده شده است و حتی تعدادی کشته هم داشته است. هفته گذشته سقوط یک جرثقیل در تهران بر روی یک خودرو خبرساز شد که دوباره امنیت این سازه‌های غول‌پیکر را زیر سؤال برد. قطعا آسیب‌شناسی این حوادث می‌تواند جلوی جان گرفتن دوباره آن را بگیرد. یکی از نکات مهم در رسیدگی به این سقوط‌ها، بحث فرسودگی این دستگاه‌هاست، تا جایی که جلال ملکی سخن‌گوی آتش‌نشانی تهران معتقد است، معمولا این جرثقیل‌های سنگین هنگام فعالیت به دلیل فرسودگی قطعات از قسمت‌های مختلف مثل شیلنگ‌های هیدرولیکی و جک‌ها دچار شکستگی و حادثه می‌شوند.

سرهنگ هوشنگ کیانی، فرمانده انتظامی شهرستان تربت‌جام: در پی برخورد رخ به رخ یک پژو پارس با یک دستگاه پراید در محور تربت‌جام به سمیع‌آباد، ۳نفر از سرنشینان خودروی پراید که راننده هم در میانشان بود به همراه زنی سی‌وپنج ساله از خودروی پژو کشته شدند. علت سانحه در دست بررسی است.

دیگر موضوع رسیدگی به این حوادث مبحث بار اضافه است و کاربران این تجهیزات به منظور حمل بار بیشتر در یک نوبت موجب شکستن قسمت یا بخشی از دستگاه می‌شوند. گاهی نیز اپراتورهای این جرثقیل‌ها به دلیل مهارت ناکافی موجبات واژگونی آن‌ها را مهیا می‌کنند. با این حال حمل بار اضافه و فرسودگی این جرثقیل‌ها بیشترین علت حوادث دراین‌باره است.

حادثه در جاده سیمان

حادثه در بولوار نساز

حادثه در میدان جانباز

نمونه‌ای از چند حادثه در سال‌های اخیر مشهد